

یکی از دانشجویان دکتر حسابی به ایشان گفت: شما سه ترم است که مرا از این درس می اندازید.
من که نمی خواهم **موشک** هوا کنم. می خواهم در روستایمان معلم شوم.

دکتر جواب داد: تو اگر نخواهی **موشک** هوا کنی و فقط بخواهی معلم شوی قبول، ولی تو نمی توانی به من تضمین بدهی که یکی از شاگردان تو در روستا، نخواهد **موشک** هوا کند.
